

هم میهنان :
ارتجاع در سر اسرا ایران بهویزه در کردستان
دست به جنایات هول انگیزی زده است که اکثریت
مردم ما از آن بی خبرند .
ارتجاع آزادی بیان و مطبوعات را از زبان
بردماست تا مردم از حقایق باخبر نشوند .
در این شرایط وظیفه مردم همه ما است به هر
وسيله ای کفمی شود حقایق را به گوش مردم برسانیم .

کاد

انتقام جوانی ارتجاع در کنار دسته جمعی
زنان و کودکان بی دفاع روستای قارنا
«دیوباسین» آفریده است .

دوشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۵۸

قیمت ۱۵ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۳۱

۶۸ تن اهالی روستای قارنا را از کودک و پیر و جوان قتل عام کردند

- جنایات مرتجعین سرکوبگر در کردستان در تاریخ بی سابقه است .
- خلخال بی نام حاکم شرع ، نو جوان چهارده ساله ای را که بصورتش تف انداخته بود اعدام کرد .
- سرکوبگران به زنان و دختران خلق کرد تجاوز می کنند چرا که به آنها گفته شده است
طبق شرع اسلام زنان «اسیران حربی» به آنها تعلق دارد .

شرح در صفحه ۷



دلاورانه مردن و تحقیر جلادان کار توست . تو همیشه زندم ای ، اما
دژخمانی که امروز به قلب تو نشانه رفتند ، در دل تاریخ گور خود را می کنند . آنها از هم اکنون مردمانند .
صحنه ای از جنایات ارتجاع در سقز - اینجا در کنار مبارزی که تیر باران می شود ، تیر باران شده های قبلی به خون غلطیده ماند .

درگذشت مجاهد بزرگ آیت الله طالقانی

موجی از تأثر و اندوه را بین نوده های مبارزین

درگذشت تاسف بار مجاهد بزرگ
آیت الله طالقانی ، مبارز خستگی ناپذیر
و روشن بین ، موجی از تأثر و افسوس را
در بین نوده های مردم برانگیخته است .
آیت الله طالقانی چهره ای بود که
بیش از ۴۰ سال مبارزه ای پیکر بارزیم
دیکتاتوری پهلوی و امپریالیستهای غارتگر
را پشت سر داشت و همین مبارزات بود که
از او چهره ای ملی و مردمی ساخته بود .
آیت الله طالقانی سالهای سال
میلخ و مروج آزادی های سیاسی و حقوق
دموکراتیک خلقها بود و در این راه بارها
نیز بند و تهمید راه جان خرید و در طی
سالهای عمر خود اعتقاد خود را به این
اصول در عمل به اثبات رسانید .
آیت الله طالقانی پس از سرنگونی
رژیم شاه نیز بر چنین مواضعی تأکید
فرموده داشت ، ولی باین همه اوجت

سر مقاله

بیدادگاههای شرع هرگز نمی توانند مبارزات آزادیخواهانه مردم را متوقف کنند

هیئت حاکمه کنونی هر روز حمله تازه ای به دستاوردهای انقلاب خلقهای
ایران می کند . لحظه به لحظه ماهیت خود را آشکارتر می کند و هر روز نوده های
وسیعتری از مردم آزادیخواه و مبارز ایران را در برابر خود قرار می دهد . هیئت
حاکمه کنونی سرکوب خلقها ، حمله به آزادی ها ، حمله به نیروهای انقلابی ، حمله
به مطبوعات ، روشنفکران و غیره را برای خود موفقیت می داند و قهقهه پیروزی
سرمی دهد . اما این قهقهه های پیروزی که بر بهار
آزادی میهن مانع پیمان می گذارد ، خود سر آغاز شکست تاریخی مرتجعین و
حاکمان کنونی است . شکستی چنان عمیق که ارتجاع برای همیشه از صحنه زندگی
خلقهای قهرمان ما رخت بر بسته و بچند پیروزی تا بد بر لبان زنان و مردان
میهن مانع بندد . این راتاریخ با صدای بلند به ما بشارت می دهد .
آنهاست که امروز از تیر باران و ترور فرزندان راستین خلق در کردستان

بفید در صفحه ۲

۱۷ شهریور

روز قهرمانی های خلق گرامی باد

د. منته ۸

بمناسبت سالگرد حماسه تل زعتر یاد شهدای تل زعتر گرامی باد

قسمت دوم

بست و یکمردانم صادف بود با سالگره - سقوط تل زعتر - برد تل زعتر نمونه تاریخی
است از دلاوریهای حماسه آفرین خلق فلسطین و بیرون سونه ای است از جانبها و جنتیهای
امیرالیم ، صهیونسم و ارتجاع عرب . نبرد تل زعتر برگ سرج دیگری است در تاریخ
افکار آسز نیروهای انقلابی عرب و داع سنگ دیگری است بر پیشانی ارتجاع عرب . افسان
گروه امل که اینک نیز عوامل آن مثل مصطفی چمران در میهن ما با انتقال حدود ادامه
می دهد .

رمان و مردان پیر و جوانی که از تل زعتر دفاع می کردند با وجود همه وحشیگریهای
دشمن و با وجود گرسنگی و تشنگی طاقتورانه و دو روز قهرمانان با پای جان به نبرد
ادامه دادند . پیمان و دوروزی که هر لحظه آن چهره ارتجاع عرب و نقش آن را به نودهای
عرب بهتر نشانند و در آگاهی خلق عرب یعنی چشمک نازی کرده باد همه شهدای تل زعتر
و همه شهدای خلق فلسطین گرامی باد .

در صفحه ۴

انقلاب برای چه بود ؟

در برنامهای چند شب پهنی
تلویزیون صحبت شد از اینکه هدف از
انقلاب چه بود و مردم برای چه جوانهای
خود را جلوی گلوله فرستادند ؟ در این
برنامه تلویزیونی گفته شد که ما پس از
این انقلاب نگریم که مثلا خربزه
ارزان نشود ، با خانه ارزان نشود . گفته
بفید در صفحه ۲

سانسور نطق بازرگان نا آگاهترین افراد را نیز از وجود سانسور و اختناق آگاه کرد

سانسور نطق بازرگان و نحوه پیش
آن آزاد بود تلویزیون پیش از پیش مردم
را به حقیقت تلخ وجود سانسور در آرزوی
تلویزیون آگاه ساخت . این سانسور
آنچنان اضمحالی به آرزو زد که
دارو دسته نطق زاده در پی اطلاعیه ای
اعلام کردند که سنسور را در تلویزیون
هیچگونه دخالتی در سانسور خطی
بفید در صفحه ۲

چه کسانی را مامور سرکوب خلق کرد کرده اند ؟

چهره های ضد خلقی فرماندهانی
که سرکوب خلق کرده آنها را گذارنده است
بر هیچکس پوشیده نیست . چرا که
نمونه های فجایع و میزان جنایاتی که
هم به دست ارتش و هم به دست نیروهای
پاسدار در منطقه کردستان صورت گرفته
بیانگر این نکته است که تنها جنایتکاران
جرمهای دشمنان قسم برده خلق هستند
که قادر به انجام این اعمال می باشند .
و اما باید سیستم ارتجاع وحشی و
کشتار و حشانه ۶۸ نفر از زنان و کودکان
بی دفاع روستای قارنا ، اعدام دسته دسته
نیروهای ساز و آغلا بی ، ایجاد رعب و
وحشت با هواپیماهای مانع و در هم
بفید در صفحه ۸

بساداران پاسدار

هیچ می دانید چرا شما را به کردستان می فرستند ؟

با وجود همه تبلیغات و همه عوام فریبی هاشم که ما با انداختن با سرکوب خلق
کردار منطقی جلوه دهند ، وقایع عریان تر از آن بود که سوار از دستم نمود معاد و ریگه
داشت و حقیقت را وارونه نشان داد .
مسئله به قدری آشکار بود که عده ای از پاسداران اعزامی به کردستان که تحت
تأثیر همین تبلیغات بودند ، پس از ماندن واقعات دریا تندی که « صدای قلابیون
« حاشین » و « اغتشاشگران » همه دشمنان ما » می مردم هستند که املا وجود خارجی
ندارند ، بلکه در حقیقت همگی خلق کرده هستند که تا طراستادگی برای کسب حقوق
حقه خود سرکوب می شوند .

نمونه های زیادی دیده شده است که عده ای از پاسداران وقتی می دیدند که
به جای پالیزبانها ، جاف ها و دیگر عناصر سرسپرده رژیم سابق مایستی فلسطینی
و کودکان و جوانان کرد را نشانه بگیرند ، به کمر می اندازند ، اسلحه خود را به زمین
می گذاشتند و شهرهای خود را می گزیدند . آنها سرشان می شد از این که خلق کرد
آنها را به جسم همان ماموران ساواک و نیروهای سرکوبگر آریامهری می نگریستند .
بعضی مناسبت ما را : « سزا خطا » . پاسداران به چاپ رسانده ایم .
بفید در صفحه ۷

سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند

درگذشت مجاهد بزرگ ...

بقیماز صفحه ۱

چهره‌هایی چون آیت اله طالقانی که در مبارزه ضدامپریالیستی - ضددیکتاتوری و رهائی بخش خلق سهم داشتند برای ما سنگین تر و از همین رو با تاسفی زرفتن همراه است.

ما با تاکید روی مبارزات بی گبر و طولانی ایشان در برابر رژیم منفرجه پهلوی و امپریالیسم و با تاکید روی سهم ارزنده ای که در راه ارشاد عناصر ناکام و مقابله با قشریت و تعصب کور داشته اند، و با تاکید روی اهمیتی که برای نقش مردم در اداره جامعه و احترامی که برای آزادی عقیده و بیان قائل بودند، درگذشت ایشان را به همه هم میهنان و مردم مبارز تسلیت می گوئیم.

زیادی به جبران محتوای نطق قبلی خود پرداخت و کوشید از توجه تمایز خود را با مترجمین فشری مشخص سازد و مسلم اینکه برای شخصیتی چون آیت اله طالقانی که سالها چهره دیگری از خود نشان داده بود، فشارها و کشمکشهای درونی و بیرونی و بخصوص تحریکات مترجمین تکیه زده بر اینکه قصدت و در مجلس به اصطلاح خبرگان و هماینان که از خود آنان مترجم و فشری ترند به سادگی قابل تحمل نبود و بی شک در واقع تاسف بار درگذشت ناگهانی ایشان نیز بی تاثیر نبوده است.

در مراحل تاریخ همواره از خصال مردمی و شخصیت این روحانی مبارز با احترام و بهیچیک یاد خواهد کرد. فقدان

پیداگاه‌های شرع هرگز نمی توانند ...

بقیماز صفحه ۱

خوستان، کرمان، مازندران و غیره سر مست هستند، عقب مانده تر و کودن تر از آن هستند که موابق شوم جنایت های هولناک خود را درک کنند، آنها کودن تر از آنند که مفهوم حرکت تاریخ را فهمیده باشند.

آنها که به شیوه گذشته رزندان را سمن میهن مارا "خرابگار" و "فدائولابی" می خوانند و با تئور و اهدام آنها مدبوحانه می گویند شوراها را آزادی خواهی و مین پرستی و عشق به خلق را در دل پشاهانان جنبش انقلابی ایران خاموش کنند و با ارتاب مردم آنان را از ادامه مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستیان باز دارند، غافل از آنکه اهدام و تئور انقلابیون نخبه هرگز نمی تواند نتوانست شعله های حیات بخش عشق به خلق را در فرزندان انقلابی میهن خاموش نکند، بلکه این شعله ها را زنده نگه دارد و با خون خود و با نثار زندگی خود سالها است متصل نگاه داشته اند. آنان که امروز در برابر جوخه های اهدام جلا دان قرار می گیرند سالها درازی است که راه پرافتخار خود را انتخاب کرده اند. تئور و اهدام هر کدام از انقلابیون چهره زشت و کبره ارتجاع را بیشتر بر ملا خواهد ساخت و بذراکاهی و مبارزه را بیشتر در میهن ما خواهد افشاند.

مترجمین حاکم کنونی، سرکوب مردم کردستان، تئور مبارزان، اهدام نیروهای انقلابی و شکنج قلم و بستن دفاتر نیروهای انقلابی را برای خود موفقیته می دانند. اما ناگاهترین مردم نیز به زودی خواهند فهمید که همه اینها نشانیه و شکنجی سیاسی و ایدئولوژیک مترجمین حاکم است. آنکه صاحب عقیده موندیشه ترقی خواهانه است، آنکه در راه خلق گام برمی دارد، آنکه عقاید و ایدئولوژی خود را بر حق می داند و می تواند در میدان مبارزات عقیده پیروز شود، هرگز از آزادی اندیشه و آزادی فعالیت های سیاسی نمی هراسد! بلکه برای گسترش عقاید خویش طرفدار آزادی است. فقط مترجمین و آنانکه می خواهند بر خلاف مسیر تاریخ حرکت کنند، آنانکه عقاید پوچ و ارتجاعی و غیره را در محیط آزادی میبرد، طرفدار سرکوب آزادی ها و اهدام نیروهای انقلابی هستند. هنوز فریاد رسا، دلاورانه و برحق شهدا، گلرخی و دانشان که در اوج غفکان و قدرت شاه در بیدار دگام رژیم شاه نوید سرگونی رژیم را سردادند، در گوش های مردم مستعدیده مای پیچید. مترجمین حاکم به خاطر ماهیتشان هرگز نمی توانند از تاریخ درس بگیرند. اما نیروهای انقلابی حرکت تاریخ راه چشم می بینند و با قبول شهادت به پیشوا از آن می روند.

مترجمین یک روز با ناچوانمردی تمام، و نداد ایمانی فدائی خلق قرار در مازندران تئور می کنند، یک روز دسته دسته انقلابیون را در کردستان به جوخه اهدام می سپارند و روز دیگر در کرمان جوانان را تنها به خاطر آنکه از ایدئولوژی خود در بیدار دگاههای شرع دفاع کرده اند، تیرباران می کنند تا نیروهای مبارز انقلابی ماکه یکی از موفترین دیکتاتوری های تاریخ را در برابر مبارزات فداکارانه خود تحقیر کرده و واژگون ساختند، از ادامه مبارزات سیاسی بترسانند. لیکن همانگونه که کشتارهای وحشیانه امپریالیستها و مترجمین در فلسطین و ویتنام، جنبه خلق را نیرومند تر ساخت، همانگونه که بیدار دگاهها و شکنجه گاههای آریامهری رزمندگان دلیر ایران و مردم مبارز را در برابر ستگران و جباران متحد و یکپارچه ساخت بدون تردید بیدار دگاهها و سرکوبهای وحشیانه امروز نیز برای ستگمران و مترجمین عاقبتی جز شکست مفتضحانه و نابودی در بر نخواهد داشت.

خون آن جوان کرمانی که به خاطر دفاع از عقیده اش در بیدار دگاه حاکم شرع تیرباران می شود، خون رزمنده ای که تنها به خاطر فعالیت سیاسی و دفاع از منافع خلق به بهرمانه ترین وجهی تئور می شود، خون پزشکی که به خاطر خدمت به خلق اهدام می شود و خون آزادی خواهانی که در کردستان جاری شده است بزودی چنان سیل بنیان کنی پدید خواهند آورد که برای همیشه بساط امپریالیسم و ارتجاع همه استعمارگران و ستگران را درهم خواهد پیچید.

آینده پیروزمند، از آن خلقهای ایران است.

در کردستان چه میگذرد

نقل از خبرنامه کردستان

شهر قهرمان سقز پس از ۱۰ روز مقاومت در برابر ارتش و پاسداران سرانجام به وسیله نیروهای کمکی ارتش و پاسداران اشغال شد. به دنبال آن موج دستگیری و وحشت سراسر شهر را فرا گرفت. ارتشیان و پاسداران به محض ورود به شهر سقز دستگیری مردم را آغاز کردند. تعداد دستگیر شدگان سقز ۳۵۰ نفر و کشته شدگان بیش از ۲۰۰ نفر است. کشته‌های ارتشیان و کودگانسی می باشد که بر اثر رگبار هلی کوپتر و شماره کشته شده اند.

بعذر کشته شدن سرهنگ دوم فراتشاهی فرمانده تپ سقز به بدست پاسداران، بین ارتشیان مستقر در پاسداران سقز اختلاف افتاد و گروه کثیری از ارتشیان حاضر به درگیر شدن با مردم و شرکت در این جنگ برادر کشی نشدند. گروهی از ارتشیان و پاسداران همچنان بر کشتار مردم اصرار می ورزند. چگونگی کشته شدن

فرمانده تپ سقز بدین نحو بود که در چهارشنبه سرهنگ دوم فراتشاهی فرمانده تپ پاسداران سقز کدلی برای درگیری با مردم نمی دید با پاسداران اعزامی وارد مذاکره شد و سعی کرد آنها را از راه عدم دخالت در امور شهر نماید. ولی پاسداران او را دستگیر و به جرم عدم همکاری با پاسداران اعدام کردند و بعد اعلام کردند که فرمانده پاسداران را افراد مسلح کشته اند. به دنبال این حادثه بخشی از پرسنل پاسداران سقز با مردم اعلام همبستگی کردند و اعلامه های خود را تحویل پیشمرگان کرد دادند.

گفته می شود تلفات ارتش و پاسداران در سقز به شمار است و نزدیک به ۴۰۰ نفر سخمین زده می شود. دهها نفر از افسران و درجه داران که حاضر بودند با مردم به روی مردم تیراندازی کنند دستگیر و بازداشت شده اند.

بقیماز صفحه ۲

انقلاب برای چه ...

بقیماز صفحه ۱

بزرگ و انحصارات امپریالیستی است که میلیونها مردم زحمتکش سراسر جهان را زیر یوغ استعمار خود در آورند، نه این فروشده و کسبه جز که با حاصل کنار و زحمت خود روزی می گذرانند. آنان در وسعت، این انسانهای تحقیر شده و گونگون و این قربانیان نظام جبارانه سرمایه داری را به عنوان مفید فی الارض اهدام می کنند. و با بوق و کرنا تبلیغ می کنند که دارند جلوی فساد را می گیرند. آنها آنان که مابین سادگی حکم اهدام برای این سه روزان صادر می کنند هرگز نمی فهمند مای خواهند پلمند که ریشه بیماریها در کجاست و چرا آنان بدین راه کوشیده شده اند؟ هیچکس از ما در خویش نمیخواهد و میخورد به دنیا نیامد است. این جامعه طبقاتی است که چنین می کند. و این تنها یکی از جامعه های این نظام است.

تنها آنان کمی خواهند عقاید را باست مالتی کنند تا بدین وسیله راهی برای ادامه نظام سرمایه داری پیدا کنند، مدهی می شوند که با این کارهای قرون وسطایی می شود جلوی فساد را گرفت و مای گوئیم با این نوع وحشیگری هافساد با زهم بیشتری اشته خواهد یافت. تنها کافی است ببینیم در همین مدت اعتبارد به تیراک و سایر مواد مخدر تاجه حد افزایش یافته است.

آیا منظور از این اقدامات و این حرفها فریب مردم نیست؟ آیا اینها به منظور طفره رفتن از پاسخگویی به مسائل سیاسی انقلاب نیست؟

چرا آنان از جوامع سوسیالیستی چیزی به توده ها نمی گویند؟

آنان از "زیربنای اقتصادی الاغ" هم سخن می گویند ولی از تیربها انقلاب ویتنام و از اهداف عالی و اساسی آن حتی یک کلمه هم نمی گویند. آنان که مدعی هستند مردم ایران خون دادمانند، که تخته شلاق و چوبه اهدام بر پا کنند، راجع به مبارزات قهرمانانه مردم ویتنام چه می گویند؟ آنها برای چه جوانها و زنهای مردهای خود را جلوی گلوله فرستادند؟ مانی دانیم این آقایان حسانه نبرد استالینگراد و آنهمه جانبازی وفداکاری را چگونه توجیه می کنند و از قهرمانیهای خلق در انقلاب کبیر فرانسه با این همه جانبازیهای خلق فلسطین چه می گویند؟ آیا نمونه انقلاب ویتنام کافی نبود که نشان دهد چگونه با تفسیر جامعه دیگر اثری از فحشا و فساد و انحطاط اخلاقی در جامعه ویتنام از قبل از انقلاب بر جای نماند؟

انقلابی که با تفسیر زیربنای جامعه (که این حالا مورد تفسیر قرار گرفته است) با تفسیر اساسی در وضعیت مادی و اقتصادی توده ها و کوشش در راه مانی سوسیالیسم اخلاقی انسانی و عالیترین و وحشیانه ترین انقلابی را در میان مردم ویتنام رواج داد. تاریخ ثابت کرده است که تنها و تنها با تفسیر اساسی در زیر بنای جامعه و از بین بردن استعمار فردا فرد است که روابط بین انسانها خصلت انسانی خود را باز خواهد یافت و بیماریها و عقوبت های مزمن جامعه طبقاتی برای همیشه از چهره جامعه زدوده خواهد شد.

شما برای اقتصاد انقلاب نگریدیم و اصلا زیربنای جامعه اقتصاد نیست. اما امروز دیگر حتی برای کسانی که درک محدودی هم از مسائل اجتماعی و سیاسی داشته باشند روشن است که در طول تاریخ هر انقلاب پیروز و منجانبی که توسط توده ها صورت گرفت اساس اقتصاد جامعه را در گرو ساختن است و در هر ساله انقلاب اجتماعی لزوما باید به دست طبقه کارگر انجام شود. اقتصاد سرمایه داری را در گرو می کند و تنها با استثمار فرد از فرد را از بین می برد. توده مردم از میان نبردهای قهرآمیز و بی اما نیک طی جنگ مسلحانه حکومتی استمگر و طبقاتی راسنگون می کنند تا جامعه ای نوین عاری از فقر و فلاکت و جهل و بیماری را بنیان دهند. به عقیده ما نیز انقلاب برای ایزان کردن خربزه نیست. تنها برای ایزان زدن گرانفروشی و سوزاندن کتابها و تیرباران و شکنجه و سوزاندن قربانی ستم سرمایه داری هم نیست. انقلاب نه تنها برای ایزان کردن خربزه نیست بلکه برای صدور حکم قتل عام مردم در دستن و براه انداختن دانشگاههای صحراشوی و اهدام بزرگ و دیپرومعلم و روشنفکر کرد هم نیست. انقلاب تنها برای ایزان کردن خربزه نیست، بلکه برای بساز کردن اندین فئودالها و فرارخواندن سرمایه داران فراری و سپردن مجدد زمینها و کارخانه ها به آنان هم نیست. مردم امروز می گویند، ما انقلاب نکرده ایم که دوباره همه کارخانه ها را به دست یکمشت سرمایه دار مفتخور بسپاریم که شیره جانمان را بکشد.

حال آنکه زمامداری که حاکمیت را فیه کرده اند همان نظام طبقاتی را حفظ کرده اند و این حرفها که می زنند، می خواهند فکر مردم را از مسائل اساسی منحرف کنند و با تئور و نمود کنند که این همه تحمل حبس و شکنجه و اهدام، این همه مبارزات خونین حق طلبان و سوسیالیسم قیام های پرشکوه ۱۷ شهریور، ۱۳ آبان و ۲۲ آبان بهین ما فقط برای این بوده است که موسیقی گوش کنید، با زبان ورزش نکنند و فیلم سینمایی تماشا شود و از این قبیل چیزها. بادشمنی با هنر، با ادبها با موسیقی و با فیلم نیست که دردهای اجتماعی منالجه می شود. ادبها و موسیقی و فیلم غیر ما باید در خدمت درمان دردهای اجتماعی و در جامعه ما در خدمت انقلاب اجتماعی در آورد. نماند که هم این دستاوردهای حیات بشری را لگد مال کرد و یک زندگی سوت و کسور و غم انگیز و ماتم زده راه مردم تحصیل کرد.

قشریون حاکم، کسبه و فروشنده گان خرده با راه عنوان گرانفروشان ضد انقلاب به تخته شلاق می بندند و همه را کشتن در زخمیان قرون وسطایی شکنجه می کنند. آنان از این طریق می خواهند مردم نفهمند علت گران روز افزون ما به محتاج زندگی سوزگوشی سری تا پذیر سرمایه داران

سانسور نطق ...

بازرگان ندارند، بلکه این سانسور به دست مقامات دولتی صورت گرفته است. گذشته از همه عوامل سیاسی های رادیو-تلویزیون، حقیقت این است که سانسور نطق بازرگان با تازاب تضادهای درون هیئت حاکمه ای است که هر چه اختلاف اساسی با یکدیگر ندارند، اما اختلافاتی دارند و هر جناحی تلاش می کند که بیش از پیش قدرت سیاسی را در دست خود متمرکز سازد و سیاستهای خود را پیش برد. در اینجا جاست که گناه نحوه عملکرد این تضادهای گونه ای است که مردم را تا حدی از چگونگی وقایعی که در صحن مای گذرد، آگاه می سازد. اگر نطق بازرگان سانسور شد، به این علت بود که زمامداران کنونی انعکاس این تضاد در میان توده های مردم که تا حدی افشاکننده توطئه های هیئت حاکمه علیه خلق گردید، به مصلحت خود ندانستند. اما مسئله ای که در اینجا مورد بحث است، این نیست که چرا نطق بازرگان سانسور شده است، زیرا که تمامی هیئت حاکمه در اساس سوت یک کر باشند، بلکه مسئله بر سر وجود سانسور و اختناق در ایدئولوژی تلویزیون است. مسئله بر سر این است که هیئت حاکمه سلب آزادی مطبوعات و اختناق هزلناک را وظیفه "مقدس" خود قرار داده است.

هیئت حاکمه برای سلب آزادی مطبوعات به هزاران دروغ متوسل می شود و موزرانه مطبوعات ترقی و انقلابی را که وظیفه خود را از ساختن مردم از حقایق و افساسی سیاست های ضد انقلابی و حاکمیت کنونی قرار داده اند، به توطئه چینی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی متهم می کند. اما آیا بازرگان نیز که نخست وزیر انتصابی آنها است، علیه جمهوری اسلامی توطئه کرده است، علیه سانسور شد آیا هیئت حاکمه سلب آزادی مطبوعات و سانسور و اختناق قی در ایدئولوژی تلویزیون یکی از ارکان سیاست های هیئت حاکمه کنونی است؟

بزرگترین تازابی که احساس خطر کرده است، حتی می کند که ظاهر قضیه را حفظ کند و ظاهرا آزادی مطبوعات را در دست تلویزیون دفاع می کند. اما همین ماسخ خود را در خطر دید، لحظه ای درنگ نمی کند و مقلان آزادی مطبوعات را از بین می برد و ایدئولوژی تلویزیون را نیز به طور کامل در خدمت سیاست های ضد خلقی خود قرار می دهد.

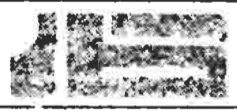
درگذشته نیز اگر سربده ترین عناصر رژیم حرف می زدند که خلاف مصالح هیئت حاکمه تشخیص داده می شد، مورد فسخ قرار می گرفتند. امروز هم قبی سانسور در همه جا حتی علیه مناصری از درون خود هیئت حاکمه نیزه کاری افتد.

اما وضعیت آشکارا سانسور نطق بازرگان، حتی ناگاهترین و عقب مانده ترین توده ها را نیز با وضعیت وجود سانسور در رادیو-تلویزیون روبرو ساخت.

در رادیو-تلویزیون هیچ صحبتی از این نیست که چگونه خلق کرد را سرکوب می کنند. در سفر خانه های مردم را با توب و عجز و تسلیم ویران می کنند، روستا های اطراف سپاهداران می کنند، به زنان و دختران گردنجاوری می کنند و آنها را غنیمت خود در جنگ علیه فکری می دانند و با نیروهای انقلابی را بدون محاکمه اهدام می کنند. بلکه مدام گفتمی خود که خلق گرد با نفل و گل و سلام و صلوات از نیروهای سرکوبگر استقبال کرد.

تولویزیون دولتی می گوید از خلق کرد در ذهن توده های مردم تصویر کشید، بی شرمانه ترین شکل تحریف و افساس است و این دقیقا همان سیاست ها و روشهای ضد مردمی گذشته است. اگر در گذشته رادیو-تلویزیون توده های مردم و نیروهای انقلابی را دست نشانده بیگانگان و خرابکار هرنی می کرده بود، نغم رژیم پهلوی را حقایق را تحریف می کرد. اینبار نیز دقیقا همان سیاست اعمال می شود، ما با این داریم، همانگونه که ما به هیئت حاکمه ضد خلقی رژیم پهلوی و دروغ پردازیها، جعل حقایق و سانسور مطبوعات و رادیو-تلویزیون برای همه مردم روشن شد و تلویزیون برای همه مردم روشن شد. دیری نخواهد پاید که حاکمیت کنونی و تمام برنامه ها، اخبار و گزارشهای دروغ رادیو-تلویزیونی اش بر همه مردم روشن خواهد شد و سرنوشته همانند سرنوشته رژیم گذشته در انتظار آن خواهد بود.

دراغتر از باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



کتابهای مدوخته برای ایجاد تشکلات فرمایشی کارگری جز و سوالی بیشتر بفرمایند



این معاهده استعدادهای کارگران را نشان میدهد که در این معاهده...
این معاهده استعدادهای کارگران را نشان میدهد که در این معاهده...
این معاهده استعدادهای کارگران را نشان میدهد که در این معاهده...

مختصری از شرایط عمومی کارگران معتمدان

حوزه استخراجی معادن ایران در سنگرود لوشان، بافق کرمان، زیرآب قائم شهر (شاهی) و غیره می باشد. به علت

نزدیکی معادن به روستاها، کارگران معدن عموماً کشاورزان کم زمین با بی زمین و کارگران روستایی باشند. کارگران معادن در سالهای ۴۶-۴۷ اکثراً موقتی بودند و به صورت فصلی روزمزد کاری کردند. بعد از ایجاد کارخانه ذوب آهن، چندین شرکت سهامی وابسته به شرکت سهامی خاص ذوب آهن اصفهان ایجاد شد. اغلب معادن که قبلاً توسط بخش خصوصی اداره می شدند از اختیار دولت قرار گرفت. در سالهای ۴۶-۴۷ کارمندان گسترش یافت. طبیعی است که کارگران صنعتی که در شهرها و مراکز تولیدی کاری کنند به ندرت به کار توان فرسای معدن تنگ می دهند. بدین جهت اغلب کارگران معادن بومی هستند.

حزبهای جمعی در معادن ایران به ندرت به چشم می خورد. سابقه مبارزاتی کارگران معادن کم است. علت آن جوان بودن کارگران، دور بودن معادن از مراکز ارتباطی نزدیک، بساط محیط های کاری و بالاخره داشتن عقاید خرافاتی و فرهنگ روستایی می باشد. خفقان سالهای گذشته نیز باعث رکود حرکت های جمعی کارگران بود. است کارگران معادن از شرایط کار روزمزدی در معادن شدیداً ناراضی هستند و عموماً از آگاهی سیاسی و طبقاتی برخوردار نیستند.

کارگران معدن سنگرود درجه شرایطی کاری کنند. تعداد کارگران معدن سنگرود در حال حاضر ۲۴۰۰ نفر است که از این معده ۲۰۰۰ نفر کارگر و ۴۰۰ نفر تکنسین و کارمند می باشند. کارگران در سه شیفت کار می کنند. از ۲۰۰۰ کارگر معدن ۱۹۵۰ نفر غیر رسمی هستند. علل رسمی نگردن کارگران را باید در مسائل زیر جستجو کرد: قرار از پرداخت حق بازنگشتگی، فرار از پرداخت حق شیفت و پول غذا و امکانات درمانی رایگان.

کارگران از وضع معن ناراضی هستند. زیرا هر یک ۱۲ کارگر در سالهای ۳۲-۳۳ متری زندگی می کنند. کارگران متاهل بازن و بچه هایشان در همین سالن ها زندگی می کنند. بهداشتی معدن ظاهراً به درمان سرپایی بسیاران می پردازد. اصولاً بهداشت و جلوگیری از ابتلا کارگران به بیماری توجهی نمی شود. کارگران به علت کار در زیر زمین پس از مدتی دچار بیماری های ریوی مثل سل می شوند. تراخ و کوی از بیماری های است که در میان کارگران زیاد دیده می شود. حادثه در معدن موضوعی عادی شد است به گفته خود کارگران کارگری که در زیر زمین کاری کند با شرایط بدنی فوق العاده اگر چهار ساعه نشود، حد اکثر ۱۲-۱۵ سال می تواند دوام بیاورد. عید امسال سه نفر از کارگران تونل بر اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست دادند. از جمله علل این حوادث می توان از نبودن وسایل ایمنی و کم اطلاعی کارگران در مورد حوادث ناشی از گاز نام برد. علت آن هم این است که کارگران برای سرمایه داران ارزشی ندارد. کارگری که زیاد است و وزارت کار هم که در مورد کشته شدن کارگران لال است

نمی بسیار پائین بود. اکثر بهترین کارگران هم شرایط نوبن جامعه (انقلاب) و تحول سریع آن را درک نمی کردند. همه اینها سبب شده بود که با وجود شرایط طاقت فرسای کار در معدن کارگران بعد از قیام ۱۳۵۴ هجری شروع به ایجاد تشکلات کارگری نکردند. اداره معدن به دست کمیته ها افتاد. در هفته اول پس از قیام برخی از کارگران به طور پراکنده شورای کارگران را مطرح کردند. ایجاد شوراهای کارگران در زمینه مناسبی پیدا نکرد. سپس کارگران آگاه مسئله ایجاد سندیکای اردبیل و دستور کار قرار می دهند. کارگران آگاه سعی می کنند در رابطه با وظایف سندیکای اینک چه عناصری نمایندگان واقعی کارگران هستند. تمام کارگران صحبت کنند. آنها سعی کردند که آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران را بالا ببرند. در این مرحله کمیته کمی کارگران آگاهی از عدم استفاده از باجه سبز بدین کارگران آگاه تا نهار از توده کارگران دور نگه داشتند. از آنجا که کارگران مصرانه خواستار تشکیل سندیکای واقعی خود بودند، کمیته شکر خود را تهرمی دهد. سعی می کند سندیکای دلخواه خود را ایجاد کند. پیشنهاد می کند انتخابات سندیکای باید تحت نظر و با مشارکت کمیته باشد. دو نفر از اداره کار هم باید تا نهار باشند و اساسنامه از وزارت کار گرفته شود. این اساسنامه همان اساسنامه رستخیزی رژیم سابق بود. هیئت موسس سندیکای اینک تعیین می کند. در تاریخ ۱۴ اردیبهشت مجمع عمومی برای انتخاب نمایندگان سندیکای در مسجد معدن تحت نظارت کمیته و دو نفر از اداره کار تشکیل می شود. انتخابات کاملاً فلابی است. اغلب کارگران به نحوه رای گیری اعتراض می کنند. کارگران درخواست متوقف کردن رای گیری و باطل کردن آنرا می کنند. کمیته این درخواست را رد می کند. در پایان اکثر کارگران نحوه انتخابات را غلط می شمارند. وقتی چند نفر به عنوان اعتراضی جلساتی می کنند به این ترتیب سندیکای نامی که تحت نفوذ کمیته هستند موجود آمد. بعضی از نمایندگان با آنکه صداقت دارند ولی کاری از دستشان ساخته نیست. هنوز هیچ یک از مسائل رفاهی کارگران حل نشده است. کارگران اکثر عناصر کمیته را هم به خوبی می شناسند. وسوای آنها را می دانند. کارگران از این سندیکای آنها به خوبی می دانند که دوران سندیکاهای فرمایشی به سر رسیده است و هرگونه تلاشی از جانب هر مقامی هم پشتوانه قوی معنویت داشته باشد نمی تواند دیگر کارگران را به شکل سابق متشکل کند و تلاش های مذبحانه کمیته ها برای ایجاد و کنترل این تشکلات و تحت نفوذ قراردادن آنها جز رسوایی هر چه بیشتر نمی ندرد.

مختصری از مبارزات کارگران معدن سنگرود اولین اعتصاب کارگران معدن در اواخر اسفندماه ۴۲ اتفاق افتاد. ما جزای اعتراضات پراکنده در مواقعی که حادثه در اتفاق می افتاد، از حرکت کارگری دیگری قبل از این تاریخ اطلاع نداریم. انگیزه این اعتصاب این بود که حقوق اضافه شده در مرکز رادرمعدن پرداخت نمی کردند. اعتصاب صرفاً جنبه منفی داشت. اما اشتراک شدیدی در کارگران و توهین های مدیر عامل و شرایط خفقان روحیه تعرضی را به شدت بالا برد. روز اول اعتصاب کارگران با مهندسان و مدیر عامل زد و خورد کردند. مدیر عامل و مهندسان از اعتصاب فرار کردند. ابزار سرکوب به کار افتاد. ۵۰ سرابود و افسر برای سرکوب اعتصاب کارگران به معدن فرستاده شدند. اعتصاب دو روز طول کشید. با دستگیری و اخراج شش تن از نمایندگان و زندانی کردن دو نفر از نمایندگان و قبول رسیدگی به خواسته ها اعتصاب پایان یافت.

شکست اعتصاب علل متعددی داشت. از آن جمله می توان از علل زیر نام برد: کارگران تجربه مبارزاتی چندانی نداشتند. به همین دلیل و نیز به علت نداشتن آگاهی طبقاتی به قدرت عظیم تشکل و اتحاد خود پی نبرده بودند در همین رابطه تشکلات واقعی کارگری نداشتند. علاوه بر سرکوب وحشیانه و منظم رژیم در قبال و در جریان اعتصاب پرووجه کارگران تاثیر گذاشت و آنها را به تسلیم وادار کرد. در ادامه مبارزات کارگران باید از اعتصاب پیروز می شدند. ۵۷ یاد کرد. کارگران خواستار اخراج هشت نفر از مهندسان و رسیدگی به خواسته های منفی خود شدند. اعتصاب تحت رهبری چند کارگر و کارمند آگاه که در جریان زمین به جنبی اعتصاب تا حدودی به هم نزدیک شده بودند، قرار داشت. در جریان اعتصاب، برخی از کارمندان به علت بایند بودن به منافع شخصی و سطحی خود حرکت های در جهت شکستن اعتصاب کردند. اعتصاب پس از ۲۱ روز موفق شد. هشت نفر از عناصر مزدور را اخراج کردند و برخی از خواسته های منفی کارگران برآورده شد.

علت پیروزی نسبی اعتصاب را بایستی در وهله اول در رابطه با ویژگی مبارزات خلق قهرمانان و ضربه پذیر بودن رژیم در پائین ۵۷ توضیح داد. این جریان تا رژیم را وادار به عقب نشینی در برابر کارگران کرد. عامل دیگر اتحاد و همبستگی کارگران همراه با رهبری صحیح اعتصاب توسط عناصر آگاه و پیشرو کارگری بود.

حرکت های کارگران بعد از قیام به علت دور افتاده بودن معدن کارگران در اعتصابات سیاسی شرکت فعالانه نداشتند. کارگران بطور کلی در متن حوادث نبودند. کارگران آگاه معدن در جریان مبارزات مشخص کارگری با هم ارتباط نگرفتند و رشد نکرده بودند. آگاهی سیاسی در میان کارگران به طور

نامه یکت کارگر خباط در گذر شسته محصور بودیم در سخت ترین شرایط همه چیز را تحمل کنیم اما حالا دیگر چیزی

ما را با همه اینها در این شرایط...
ما را با همه اینها در این شرایط...
ما را با همه اینها در این شرایط...

۱- جبهه است کار در هفت
۲- لغو شدن شیوه کار مزدی روزمزد
۳- شکر کلیه کارگران با حقوق کافی
۴- استفاده از مرخصی سالانه با حقوق طبق قانون کار
۵- سهم شدن کارگران در سود کارخانه
۶- جمع و تعطیل رسمی در صورت کار در روزهای تعطیل
۷- کار فرمایان باید بدون دلیل کارگران را اخراج کنند
۸- با امید به پیروزی نیایی یکی از کارگران خباط

نامه یکت کارگر تا وقتی بهره کشی هست مبارزه و اعتصاب هم هست

رفقای فدایی
خواهش می کنم نامه ما را در صفحه نامه های کارگران روزنامه کار چاپ کنید.
هزار خون برادر کارگرمان که در کارخانه های معدنی ما سوزانده شده است، در روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه در شرکت کام پتون (شرکت مینو) بر اثر ترکیدن تانک حمل سیان که از کارخانه سیان برای شرکت سیان آورده بود، ۱۲ نفر از برادران کارگران ما بطور فجعی کشته شدند. از بدنیهای آنها فقط تکه پارچه های باقی ماند. در این حادثه هدهای از برادران کارگر نیز زخمی شدند. کارگران این حوادث در مجموع سرمایه داری چیز تازه ای نیست و در گذشته هم بارها شاهد حوادث نظیر آن خواهیم بود. سرمایه داران که برایشان همه چیز کم تر است از سود حاصل از دستخیز کارگران نیست، همواره از بهترین ترسین تکنیک ها استفاده می کنند. البته به خاطر اوضاع کار ما بلکه به خاطر به عیب زدن سودهای کلان. ما کارگران در حالی که اغلب ما شیفتن آلات کارخانه ها را می توانیم به دست خود بگیریم برای سرگردن شک خود و خانواده هایمان خطرناکترین کارها را روزی انجام دهیم هر چند گاهی شاهد مرگ غمخیز برادرانمان و بی سرپرست شدن خانوادهاشان باشیم همیشه در هوای کشنده و گرد و خاک کسبی و سوز می کار کنیم. سرمایه دارها هیچگاه حاضر نمی شوند از تکنیک بهترین ترسین را روزی برای این می رود حتی کارگران استفاده کنند چه برایشان سودی نمی آید.

حرف آخری که میماند با دولت است به اصطلاح انقلابی ما است. آقای بازو کاران هر وقت صحبت از کارگران می کنند حرف های مثل حرف های کارفرماها است. بیکار هم داد و فرساید راه انداختند که کارخانه ها ملی شده، این کار هم مثل بقیه کارهای دولت فقط به سود کارفرماهای بیور شکر شده است. ملی شدن کارخانه ها به حال کارگران از جهتش چه تاثیری داشت؟ در حالی که درآمد بیوتلو بیون دولتی، با تکرار حداقل حقوق ۶۸۰۰۰ ریال برای کارگران گوشان برآورد کرد. در کارخانه ها (کشکلی که ملی هم شده) هنوز حقوق ۳۵۰۰۰ تومان فراوان داریم (تازه بعد از اضافه کردن حقوق برای اینکه تولید را بالا ببریم). وقتی اعتراض می کنیم می گویند صبر انقلابی داشته باشید. ما از دولت سوال می کنیم آیا باید در شرکت ها و کارخانه های ملی شده هم روز با جانمان بازی کنیم؟ آیا سرمایه داری ما، برادر کارگرمان را که روز

سلب آزادی مطبوعات زمینه ای برای سرکوب خلاق

بمناسبت سالگرد حماسه تل زعتر

یاد شهدای تل زعتر گرامی باد

(قسمت دوم)

جاده تل زعتر

امروز، هیچ چیزی به جای نموده است... دیگر کسی در اردوگاه حلیلی باقی نماند...
از این رو مانند غیر کنگدگان آثار باستانی، من برای منظور را می نگارم... من در نوشته خود به دیوارها و طاقها اسناد می گویم تنها حماسی را به معرض نمایش گذاشته باشم... اما رنگهایی خشونت نازند، وحشت و حیوانیت جاری در آنها چیزی بیشتر از لرزه و اضطراب در انسان می آفریند...

اشکال گوناگون اندوه، و عواطفی که بی شمارند... من سستی از پیش فایم شدم... چه کاری بالاتر از حادثه رنده نامت می شود؟ نوشتن اسناد به ساری آمد و ما ناچار از انجام آن... عدروانده من آنکسار است... مولفین واقعی همان اهالی تل زعترند که در آنجا لحظاتی با نفس کشیدند که از سرگردانده اند... با سادگی و پاک و انکار... به نفس سخن می گویند... درست به همان گونه که آن لحظات را به هنگام محاصره و سرد حریف کرده اند... اسان نمونه صادقی از جان ما را برای انسان می دهند... راه جنگ حلیلی نامشروعی مضموم و بی ترکب... بر منصفه بوسی پس روز ماگنوده می شود که بر اساس آن در آنجا... هر کسی از آنجا می آید و هر کسی فردی غریب بزرگ... چیزی جز توفیق اصلاح گرانده و رسی به ساری رود و هر کوششی خود به گدای... مبارکت باچسب است که باید در سرتل زعتر مورد استفاده قرار گیرد... بالا بر آهاس ضرورت همساز... باچسب سگ می دانم که ناچار باید از او برویم... به کار بندیم... محبوس به صورت واقعی و رنده... همه رویدادها و رنجها و دلایل آنها را با تو کسب... هر کاری صورت گیرد خود کوششی است... مواضع در حین اسرار گشتهای از اخبار فوق العاده بردگی حماسه آفرین و غیرمانند حلیلی... آن حصار رویدادهای ساسه عصیان در مقابل فراموشی... بر ساحلی که حافظه اسرار را دست دهد و تحاریر را فراموش کند... غیر ممکن است پیرو شود...

کلمات بر طغیان در باره ما... شعاع را دوستی و ترکیب این نوشته است... بحره اسان را رویدادها... محله می شود و حاصل همه چیز است... فیرمانی نامه سادگی کودکانه اس... اسرار... اسدوه و وحشت... صرکنان در روزهای حلیلی وادی "حولا" نماند... فرجورده اسان به سروری در پس... لحظه ای که در آرزوی درگیری و مرگ صرفا تصادف است چه معنایی می تواند داشته باشد؟

این کلمات باران درباری را می ماند که به هر حال می سار... ای تل زعتر... همه کلمات برای یافتن چیزی از بود و نکرند و توانا تمام شکوه و حلال فرزان و سرانجام استادهای و به کار خود متفلسف... به سال تو همه چیز را ز سرور می کشم... بلکه خود را به سورنم و ساسا تو بچوند با هم... بلکه به برخی ارزشهای آراسته شوم... اما تو با سادگی تمام به ما بی اعتنائی...

ما احساس توهین و باجاری و گناه می کشم...

سوجستی

فرهنگ مبارزاتی خلقی کوچک

تفوق تیرمانی توده ای در روند لحظه سیاسی مشخص

طعم آبی امخته با خون و رگ و... تشنگی

سرق آمیزی در دل

نارنجکی چون نهال در دست

جنحه خلقی رانده شده

پیروزی نزدیک

بوهه انبیا هستی و پیش از این... توهمنه بیشتر

شماره آخرین حمله چه بود؟ ۱۶-۲۵-۳۴-۴۵-۵۷-۶۶-۷۲...
رابطه حساب کلاسیک با عمل حساب سیاسی چیست؟ از این هم گذشتم بالاتر رفتم... تا آنجا که بر شک و لرزه نوعی حتم... نامت رحمت کشید... استوبه گوشه گوشه پایتخت ها و شهرها منتقل شده... لره در دیوار انبیا... می اندازد و انقلابیون و رزمندگان را شور می بخشد... اعلامیه صادر می کند که فرانس های بزرگ را می کشد و تظاهرات تا بند امیر را می کشد می کشد... نام تودرتبه کوچک و پیران شده سوخته اس اسان تنگی می کشد اینک بالای رم... بالای میدان مرکزی شهر نالیس در حیا است... ای المقدس ورام الله... دشمن صهیونیستی او را در چشمان ظاهر کندگان همچون شترهای و گلخانه ای و اراده ای می سید...

حکام سرخو می لوزند... کشتی های پلیس به حرکت در می آیند و به دنبال او همه چشمها و قلبها را تفتیش می کنند... و تل زعتر نشستی است که خود نمی سزد... خلقی است که با این سعی پذیرد... همه خانه های حصری و بازگت و پیران شد... در آنش سوخت... اما چوب درها و پنجره های موربان خورده ات و آتانه خانه های حلیلی سوخته ات... خود را در اختیار ران قرار دادند تا آن حدس بیزند و آتش را به های شریبه کودکان نشان بچوراند... ما این همه کودکان از گرسنگی و تشنگی و درد فریاد می کشد به این می ماند که آنها را خیر مرگشان را محکوم می کنند... فریاد افغان که از گرسنگی و عطش خشکیده شده اند... فریاد درد آلود و گریه ای را می ماند که هرگز نمی توانم آن را فراموش کنم... فریاد اسانی هایی که چنین سستی از آنچه در توان اسان است... در برابر گرسنگی... تشنگی... شکنجه و مرگ را تحمل کرده اند...

فریادهایی که به فریاد غیر انسانی تبدیل شد... با آنکه چه ساسا فریادهایی باشند که فریادهای قبل از بازگشت به حیا و پوسته های حلیلی... فریادهای آن شادی فرخورده که تل از وحشت سرآمده است... حلیلی زودتر از ابو معد... لحظاتی پیش از تل زعتر... درباره استازاتی که ساکنس تودر کبرهای مجلسی انسان ار آن برخوردارند... بسیار سخن گفته اند... آنها فقط تورا به عنوان... پیروزی مزدور کاری خواستند و نه عنوان نیروی ساسی اعلاسی ای که فلسفه فقر خویش و به خاطر فلسطین حتمی...

هر چه قدر دشمن جنح دیگری بر ما فرود آورد و تاریکی مرگ آور و زویی یافت و محاصره نگت تر شد و قلبها و معرها و دستها اسان را بیشتر بستند... سواره تازه و مش مضموم دیگری که راه را پیشرویمان روشن کند از خود تقدیم داشتی... توحاده شدی... سوسه ما یاد دادی ای تل زعتر... با خون و قربانی و دردهای ما صراحت را نشان دادی... تو با گرسنگی و تشنگی کودکان و زنان و با جانهای سوخته و خون شهدایت به ما گفتی بی هیچ بریدی اس دشمن است... تو هم را کنار بگذارید... با سس ستهالات گوناگون را که بر ایمان وجود داشت تورا...

بایداری و حسارت خود دانی راه را بالاخر... برای ما با لبر غیر گسودی... اسنگ راه به طرف نمی آمد... اگر چه دشوار است و دراز... اما چنانچه ای سست... آثاره دیگری خرابی هم... بر سر راه تل زعتر ما ز راهی ساسا بوطنه ساری اسیرانستی در حینان عرب و سر ضرورت برای اسانسی ملی و دیوگرا ننگ و غریبی فرار دارد... راه تل زعتر... راه ادامه ساروه و معانله و مسرانفلاسی است... راه توده ها... راه تل زعتر از مکان های بسیاری می گذرد و به فلسطین می انجامد... راه تل زعتر نزدیکترین راه است به فلسطین...

● پیام های ارتل زعتر

ارترنگان تل زعتر به آرا عمومی حیا

تل زعتر محاصره است و تعداد مجروحین هر لحظه سسرمی شود... دارو هر لحظه کمتری شود... ما بی اساری برای آرا عمومی حیا در راه کسارها و حیات هایی که در اردوگاه به دست سروهایی هستند صورت می گیرد... سوسه داده بودند... مسئله نقل و اسعال زخمی هسا

این مقاله ادامه مقاله ایست که در شماره کار شماره ۲۸ بجای رسیده بود... اما بدلیل کثرت مطالب درج بقه آن مسر شد و حالا ادامه آن در این شماره آورده شده است

سام ها و سدهای سرگنده ای... به حکومت های غریبی فریاد می کشد... به ویژه و زور... خارج کشورهای عرب و مسولیت ادامه محاصره تل زعتر و حمله های و دشمنی ای که سروهایی فاشست بدان دست می رسد... آنها را گذار کردند... با اس همه حینان به سبایی در ساسه عطش... گرسنگی و بیماری می جنگند... اسناد در حینان رسیده و آب پیدایی شود... رسیدن به آب سحت است... و بی هم به دست می آید... آنچه است به خون سیدانمان... (سعود الاحمد - سوسه ۱۳/۸/۱۹۷۶)

● جنگ نابرابر... و جز خواندن دشمن را تحمل نمی کنیم

حتمی که در تل زعتر صورت گرفت... سردی را بر سر بود... گناه هم به گردن اهالی تل زعتر سست... اس مشکل حریفی اسار همه مشکلات اغلاب و به همس دلیل حواسار سدم که اگر مسئله به مسا جام می شود... از مادست سوسید... مانسیدت باودی می سوسیم... زهیری اسطار دانت که مضموم سبایی را تل زعتر صادر کردند و ما بومعنا این سادکه اگر عفت سسی... مانسیم تل زعتر در مقابل تریلی نماند که به حینان اغلاب سروسه... ما را با این کار ساری می رسد... ما را اسکه



اغلاب حواهد از هر جایی در مقابل تل زعتر عفت نشستی شد... امتناع می روزیم... ما را اسکه فرار داد قاهره... حواهد در مقابل تل زعتر لیسو شود... (در فرار داد قاهره به سال ۱۹۷۰ آمده بود که فلسطینی ها حلیلی دارند در لیبیا و هر جایی دیگری که اردوگاههای حلیلیان قرار دارد... صلح باشند و برای آزاد ساختن فلسطین مخالفت کند و همه سراسر غرب که به دنبال قتل عام سیتا سراسه در قاهره جمع شده بودند... اس فرار داد را پذیرفته بودند)... گذار تل زعتر صدر در آتش سوزد... بگذار همه مانا بود... توبم اگر سس فرار فلسطینی اصل به فلسطین فلسطینی کم شود... مسئله ای سست... مهم است که در مقابل رجزخواستی دشمن سر فرود ناوریم و با او سازش نکنیم... (احمد قسح)

● شب عقب نشینی

"شب عقب نشینی پیر مردان اردوگاه به ستاد عملیاتی آمدند تا ترتیب خارج ساختن زنان و کودکان را مورد بررسی قرار دهد... اگر فشار مردم در مقابل سختی دسترسی به آب و کمبود آذوقه بود... ما هرگز تسلیم نمی شدیم... نورانی ار پیر مردان تل زعتر برای مذاکره با لائیت هارفتند و ساعت ۲/۵ صبح برگشتند و گفتند که بعد از نشست ما "امین حلیلی" تا بزه توافق رسیده اند... "حمیل و فتی" آنها را دیده بود گفته بود "اهلا و مرحابه پیر مردان تل زعتر"... آنها دست نوشته ای با خود داشتند که می گفت "ما دشمنی سال است که دوستو برادریم... شما را تصویر نادرستی دارید... ما بر دم صاحب اخلاق و اصول هستیم... آماده ایم صلح سرخ باوریم تا زنان و کودکان را احسار ج سازند... اینک شما فکر می کنید ما اصولی سرتی بریم و می کشیم صحیح نیست... ما به این سخن اعتماد نکردیم... جوانانمان به گوشتان زدند... راهبها را با زره پوش سته یافتند... برگشتند و تا صبح ماندند... ساعت هشت صبح خبر رسید که فالانها از ناحیه "خروبه" وارد شده و گفته اند "هر کس که سلاحش را زمین نگذارد... سالم خواهد ماند... جوانان ما بر عزم تشنگی فراوان... مواضع دفاعی گرفتند... مردم همه نزدیک ناوانی به انتظار صلح سرخ بودند... فالانها به روی سر دم آتش گشودند... مردم داخل ساختمانها شدند... منظره های مصیبت آوری بود... ساعت ۹ صبح است... خبری به ما می رسد و سوسه صلح سرخ به پیش می شود... ساعت ۹/۵ فالانها حمله به اردوگاه را آغاز کرده اند... دفاع کاعلا مرگبار بود... (ابو محمد صفوری - ۶۰ ساله)

● زن سوری از ستل زعتر

زن سوری تنها فرزندش را از دست داده است... او نزدیک گسوش اطرافش فریاد می زند "در سبت تشنگی ما را لخت کردند و هر چه داشتیم از ما گرفتند... انگشتر... ساعت... دستبند... انگو... همه را بردند... تشنگی روی سروهاییمان راه می رود... بکاه و نیم است که در بناگاه به سر می بریم... بدنمان یک قطره آب به خود ندیده است... همایش سسید و غرما خوردیم و اهمیت ندادیم ولی آب ما را از ما بردارند... اگر مشکل آب نبود تل زعتر سقوط نمی کرد... بعد از تو دنیا را برای چه می خواهیم حسن جان...

● ادامه دارد

سرکوب خلقها خواست امپریالیسم و ارتجاع است

پیام های بسیاری فرستادیم... اس همه خودمان ماندیم و خودمان که می جنگیم...

دشمن تلگراف اهالی ویدامس تل زعتر به زور... خارجه عرب می کنند... در تاریخ ۱۳/۷/۱۹۷۶

تاریخچه جنبش کارگری جهان

موقعیت مبارزه طبقاتی بعد از شکست کمون پاریس
تشکیل بین الملل (انترناسیونال) دوم کارگری



دوران تدارک مسالمت آمیز در دهه ۱۸۵۰ و ۶۰ قریب نورد هم میلادی (حدود یکصد سال پیش) توسعه و تکامل سرمایه داری در کشورهای اروپایی ادامه یافت و سرمایه داری رقیب آزاد به سرمایه داری امپریالیستی آمار شد. آراس پس روزی کلی به سوی ارضاع گراشد. حسن جهانی کارگری سز به سود خود وارد مرحله بود. پس لیس آمریکا پرولتاریا در این باره می گوید "در مرتب دوران تدارک مسالمت آمیز برای معاشه با تحولات آینده آغاز شده است. در دهه کشورهای اجزای امپریالیستی با یکدیگر پروتزی اتحاد می کردند. طبقه کارگر راههای استفاده از پارلمان روزی را نحوه اتحاد بشری روزانه، شیوه نیکار بودن آموزشهای علمی و تشکیلاتی ها و عاوسی های خاص حوضی انحراف می کند نظرات مارکس بطور کامل بر سراسر معاشه چیره شده و بطور روز افزونی آمار می یابد. جمع آوری سرویو آمار برای سازمان آمار به آرامی ولی فاشنامه بی گیری می بود.

طی این مرحله طبقه اصلی پرولتاریا عبارت بود از: اتحاد حزب انقلابی و مستقل طبقه کارگر و متحد کردن نیروهای انقلابی به منظور تدارک ایدئولوژیک و تشکیلاتی برای روبروشی با مراحل بعدی اوج گیری انقلاب به این ترتیب طبقه کارگر کشورهای مختلف اروپا بانک مارکس و انگلس، این آموزگاران پرولتاریای جهان، یکی بعد از دیگری احزاب و تشکیلات خاص خود را به وجود آوردند.

پایان فعالیت های بین الملل اول و ایجاد بین الملل (انترناسیونال) دوم کارگری بعد از شکست کمون پاریس بین الملل اول کارگری ارسوی در کشورهای اروپایی روزی اروپا تحت تاثیر یاد فرا گرفت. از طرف دیگر این تشکیلات بین المللی از داخل نیز با توجه به جنبش آتاریستها و اقدامات تفرقه افکنانه و انتحاب طلبانه آنها روبرو بود. اینها عوامی بودند که مانع ادامه فعالیت های بین الملل می شد. در نتیجه در تاریخ ۱۸۷۲ میلادی هم می انترناسیونال در سال ۱۸۷۲ میلادی (۱۲۵۱ هجری شمسی) تصمیم گرفت مقر انترناسیونال را به نیویورک منتقل کند. اجرای این تصمیم بخودی خود فعالیت های بین الملل اول را بهر کردگشاند. جنبش کارگری در آن دوران وارد مرحله یونسی از تشکیلات نیروها و احزاب سیاسی کارگری شده بود و اشکال سازماندهی خاص انترناسیونال اول با شرایط نوین سازگار نبود. به این دلیل شورای عمومی به پیشنهاد مارکس آخرین کنفرانس خود را در سال ۱۸۷۶ در آمریکا برگزار کرد و در پایان این کنفرانس طی قطعنامه ای رسماً انحلال انترناسیونال اول را اعلام کرد. پس از درگذشت مارکس در سال ۱۸۸۳ میلادی، مسئولیت سنگین رهبری جنبش بین المللی کارگری تماماً به دوش انگلس افتاد.

اوج گیری نوین جنبش کارگری در کشورهای مختلف اروپا همراه با ایجاد احزاب کارگری و نیز نشرواشاعه مارکس در سطح وسیع، شرایط لازم را برای وحدت نوین طبقه کارگر فراهم آورده بود. بعد از انحلال انترناسیونال اول، فکر اتحاد بین المللی کارگران در ذهن نرسد فرد کارگران کشورهای مختلف جهان باقی مانده بود. در آغاز دهه ۸۰ قریب نورد هم میلادی، گروهی از سازمان های کارگری به مارکس و انگلس پیشنهاد می کردند که فعالیت انترناسیونال از سر گرفته شود و با جمعیت نوینی برپا شود. اما مارکس و انگلس در این زمان متقد بودند که هنوز شرایط فراهم نشده است. آن دوره هم پرولتاریا به سبب موضوع ایجاد انترناسیونال نوین را در رابطه با سطح آگاهی طبقه کارگر و نیازهای روز مبارزه طبقاتی می دیدند. با فعالیت های خستگی ناپذیر انگلس نفوذ مارکس در جنبش کارگری روز بروز

اخبار جهان

خبرهایی از اعتصاب وزد و خورد در کشور یسرو

کارکنان بانک های برودر هت اول شهر پورماه جهت تاکید بر حواصه خود در مورد امانه حقوق که ساخگوی چهل درصد اواس هر سه ردگی سود است از کار کشیدند.

تظاهرات کارگران و دانشجویان بخاطر گرانی قیمت ها در سودان

موج اعتصابات و تظاهرات کارگری و دانشجویی به دنبال افزایش قیمت ها در سودان بالا گرفته است. قیمت شکر در میان ۲۳ درصد و بنزین به مقدار ۶۶ درصد افزایش یافته است. دانشجویان سودانی در روز ۱۸ مرداد ۵۸ در خرطوم به عنوان اعتراض به گرانی قیمت ها دست به تظاهرات بزرگی زدند. در این تظاهرات بین دانشجویان و نیروهای مسلح سودان روبرو خورد در گرفت. کارگران راه آهن سودان سربه ملت پایش آمدند و قدرت خریدشان دست به اعتصاب درآوردند. سودان کنوری وابسته به امپریالیسم برای دولت سودان در چند سال اخیر وابسته کلان اسارت آوری کارگرهای امپریالیست دریافت کرده است. در نتیجه دریافت این وابستگی این کشور به کشورهای خارجی از ۳۱۲ میلیون دلار در سال

در این روزها ۲۸ و ۲۹ مرداد سال جاری در برخورد های شدید بین اعتصاب کنندگان و کارگرمی کاستاریکا در بند ر لیمون واقع در ساحل اقیانوس اطلس بیش از پنجاه تن از اعتصابیون زخمی شدند.

اعتصاب هفت هزار کارگر در بندر لیمون

در روزهای ۲۸ و ۲۹ مرداد سال جاری در برخورد های شدید بین اعتصاب کنندگان و کارگرمی کاستاریکا در بند ر لیمون واقع در ساحل اقیانوس اطلس بیش از پنجاه تن از اعتصابیون زخمی شدند.

بازداشت کارگران و روشنفکران در مصر

وزیر پلیس اورالسادات در بند بورش ناگهانی ۶۰ تن از جمله اعضا مهم حزب "ترقیخواه متحد ملی" مصر را بازداشت کرد.

بازداشت کارگران و روشنفکران در مصر

وزیر پلیس اورالسادات در بند بورش ناگهانی ۶۰ تن از جمله اعضا مهم حزب "ترقیخواه متحد ملی" مصر را بازداشت کرد.

اعتصاب هفت هزار کارگر در بندر لیمون

در روزهای ۲۸ و ۲۹ مرداد سال جاری در برخورد های شدید بین اعتصاب کنندگان و کارگرمی کاستاریکا در بند ر لیمون واقع در ساحل اقیانوس اطلس بیش از پنجاه تن از اعتصابیون زخمی شدند.

بازداشت کارگران و روشنفکران در مصر

وزیر پلیس اورالسادات در بند بورش ناگهانی ۶۰ تن از جمله اعضا مهم حزب "ترقیخواه متحد ملی" مصر را بازداشت کرد.

حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی است

نامه يك روسای :

مدافع مالکان و سرمایه داران پیوند خورد ما است و اگر زمین دست بورژوازی باشد و کارخانه به کارگزار شود دیگر نمی تواند بهما زور بکشد

مردمانی که در این روزها در کارخانه ها و مراکز دولتی و خصوصی به کار می روند و حقوق کمی می گیرند و با سرمایه داران و مالکان زمین ها و کارخانه ها درگیرند...

مردمانی که در این روزها در کارخانه ها و مراکز دولتی و خصوصی به کار می روند و حقوق کمی می گیرند و با سرمایه داران و مالکان زمین ها و کارخانه ها درگیرند...

تلاش کارگران کشتیرانی برای تشکیل سندیکای واقعی



مردمانی که در این روزها در کارخانه ها و مراکز دولتی و خصوصی به کار می روند و حقوق کمی می گیرند و با سرمایه داران و مالکان زمین ها و کارخانه ها درگیرند...

روستائیان چارایماق هشرود رئیس کمیته را که با فتوای منطقه همکاری می کرد دستگیر کردند



روستائیان چارایماق که دست به مبارزه گسترده ای علیه فتوای منطقه "فتح الحان سرتسی" و عاملان او زدند...

شرکت های امپریالیستی و سرمایه داران جهانخوار کارگران و زحمتکشان ایرانی را تهدید به اخراج می کنند

حاکم، امیدوار دارند که در آینده نزدیک همچون گذشته به تازگی و چهارول کارگران و زحمتکشان بپردازند...

حاکم، امیدوار دارند که در آینده نزدیک همچون گذشته به تازگی و چهارول کارگران و زحمتکشان بپردازند...

A formal document or letter with a header, body text, and a signature at the bottom.

به آقای بوری - تهران اورتیک
آقای گورتیو - خرمشهر
آقای نیرزولی تلکس پترول خرمشهر

نماینده کمیته در کارخانه کاشی سازی "حافظ" مزدور کارفرماست

شیراز- هر روز که می گذرد همگام موانع ضدانقلاب دست نشانده گان آن پاکب مناسرتا کاه به نهادهای اجتماعی، موسسات علمی و فرهنگی و کارخانه ها بیشتر می شود...

شیراز- هر روز که می گذرد همگام موانع ضدانقلاب دست نشانده گان آن پاکب مناسرتا کاه به نهادهای اجتماعی، موسسات علمی و فرهنگی و کارخانه ها بیشتر می شود...

کارگران کارخانه رادیو شهاب خواهان افزایش دستمزدند

تهران- ۵۰۰ کارگر کارخانه رادیو شهاب مانند سایر هم زحمتکاران خود درازای ساعتها کار طولانی و طاقت فرسا از دستمزد بسیار کمی برخوردارند...

تهران- ۵۰۰ کارگر کارخانه رادیو شهاب مانند سایر هم زحمتکاران خود درازای ساعتها کار طولانی و طاقت فرسا از دستمزد بسیار کمی برخوردارند...

مبارزه کارگران شرکت ریمینکو ادامه دارد

خوزستان- کارگران پهنوشترکت های صدکارگری موایل سرسرد مزیم سابق محکوم کرده و خواهان بازگشت کارگران اخراجی این شرکت و تحقق خواسته هایشان شدند...

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



برادران پاسدار،

هیچ می دانید چرا شما را...

بقیمار صفحه ۱

می گفت اینسپاکه به خیابان ریخته اند
اترار و خرابکار هستند. آنها را سرکوب
کنید تا امنیت برقرار شود.

حکام جدید، دسته دسته
انقلابیون راستین و روشنفکران آگاه
خلق را به جوخه های اعدام می سپارند
آنها ماهیت ارتجاعی و ضد بشری پوشند
انقلابی خود را به نمایش گذاشته اند،
تاریخ مبارزات قهرمانانه خلق اینچنین
درنده خوئی را که حاکم شرع در کردستان
به راه انداخته است، در هیچ دورانی و
تحت هیچ حکومتی به یاد ندارد.

برادران پاسدار!
آنها با تحریک احساسات مذهبی
شما، سعی دارند شما را در این جنایاتی
که در تاریخ ثبت خواهد شد، شریک
سازند. به این جنایات و به این
آدمکشی ها تن ندهید. اینها در
و خشکری و جنایت دست نازی های
آلمانی را از پشت بسته اند. به این
جنایات تن ندهید.

برادران پاسدار!

شما زاده امان اقتدار و طبقات زحمتکش
خلق، برخاسته اید. اجازه ندهید تحت
پوشش اسلام و شهادت در راه آن، ارتجاع
قرون وسطایی به دست شما خون مردم
زحمتکش را بر زمین ریزد. خون خود را
در دفاع از یک رژیم سرمایه داری پوسیده
هدر ندهید.

به شاکتنامه عده ای ضد انقلاب
از قبیل پالیزبان و او بی و امثالهم در
کردستان اغلال می کنند و شما پاسداران
سرکوب کنید. اما دیگر همه مسردم
در یافته اند که این خلق کردات که حق
خود را می طلبد، خلقی که طی سیش از
نیم قرن حکومت فاسد پهلوی بیشتر از
هیچ خلقهای ایران فرتوس و سرکوب را
متحمل شده است و چنانچه ما داده فکرت
کنیم و همه تنگ نظری ها و کتبه سنی ها را
خواهد رسید.

برادران پاسدار!
لحظه ای فکر کنید شما را چه راهی
می کشاند؟ لحظه ای فکر کنید آنان که
شماره کشتار مردم کرد فرستاده اند
از کشته شدن شما چه مقصودی دارند؟
آیا آنها بدین وسیله دارند سرمایه داری
مبارزه می کنند؟ آیا آنها در راه ایجاد
یک جامعه بدون طبقه تلاش می کنند؟
همه خواهد نشان می دهد که حکومت
عدلی که زمامداران جدید به مردم وعده
می دهند، همان رژیم جابرانه سرمایه
داری است و سرمایه پاسداران ارتش هم
وسیله سرکوب هرنادی حق طلبان
زحمتکشان ملیه این نظام نکت باز است.
زمامداران جدید با استفاده از
احساسات مردم ناگاه چرخ انقلاب را
متوقف ساخته و می کوشند نظام جابرانه
سرمایه داری وابسته را تحت نام جمهوری
اسلامی تحکیم نمایند این همان نظام
جابرانه ای است که کار زحمتکش
و محرومیت را نصیب ملیونها کارگر
دهقان زحمتکش می سازد و بساط معیشت
عشرت و خوشگذرانی را برای مشتکی
سرمایه دار مفت خور و تن پرور فراهم
می کند. حکومت عدلی که آنها به
ملیونها مردم زحمتکش ایران وعده
به امیرالیمم را بر کارگران و زحمتکشان
داران را الوصف حاصل دسترنج کارگران
به غارت می برند و آن را صرف شسروت
اندوژی خود و اربابان امیرالیمم خود
می کنند. حکومتی است که در آن تن پروری
خوشگذرانی آن اقلیتی بهره کش
زنج و زحمت و محرومیت آن اکثریت
زحمتکش خواهد بود. حکومتی است که
تحت پوشش نام جمهوری اسلامی
همان رژیم ظالمانه سرمایه داری وابسته
به امیرالیمم را بر کارگران و زحمتکشان
شهر و ده تحصیل کرده است.
آنها شمار برای پاسداری از چنین
نظامی به کردستان می فرستند.

نابود باد تو طغیان نفاق افکنانه
مرتجعین و عوامل امیرالیمم
مستحکم باد صفوف هم نیروهای
می مبارز و انقلابی
کسترد به یاد همگامی
همه آنان که در راه ایرانی آزاد و
دموکراتیک مبارزه می کنند
پیروز باد مبارزات حق طلبانه
همه خلقهای ایسران

بقیمار صفحه ۱

به خلق کردستان داده است.
حاکم شرع، غلغالی، درمها باد
کارهای می کند که تیسار نامی مامور
حکومت نظامی و جلا داد در اطمینان
انجام می داد. او ظاهرات مسردم را
درمها باد و بطور کلی در کردستان
کرده، مرتبا مردم را به سرکوب بیشتر
تهدید می کند و مثل سرلشکر ناچکی
می خواهد به زور توب و تانک دگان را
و با زاریان را وادار کند مظارهای خود را
باز کنند.

شکست دیوار صوتی توسط
هواپیماهای جمهوری اسلامی نیز تاکنون
باعث کشتن بسیاری از کودکان کردستان
و سقط جنین زنان شده است.
اینک مردم آگاه ما و جهانیان به
خوبی به علل اسنور گسترده مطبوعات
روست و دفاتر سازمانهای سیاسی بیسی
برده اند. هیئت حاکمی خواهد ضربان
جنایات هول انگیز به کوش مردم ترسد
به اعتقاد ما وظیفه مردم هم مبارزان و همه
آزاد پیخواهان در شرایط اختناق و غلغالی
کنونی آن است که خبرها را به گوش همه
هم میهنان برسانند و مردم را از جنایاتی
که در گوشه و کنار میهن به دست ارتجاع
انفاق می افتد مطلع کنند.

اینک خلق کردچهره و ماهیت
ارتجاع را به خوبی و عمیقاً درک کرده
است، دیری نخواهد پاید که همه
مردم ماهیت مرتجعین را دریابند.
در تهران نیز عده ای از پاسداران
یک دانش آموز ۱۶ ساله هوادار سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران را رسیده و
او را مورد تجاوز قرار دادند. جنایتکاران
او را تهدید کردند که در صورت افشای
این عمل وی را خواهند کشت. تمام
دانش آموز و شرح فصل این واقعه
هم اکنون در نزد ماست. راستی آنها در
شرایط کنونی دادگاهی که به شکایت این
دانش آموز رسیدگی کند وجود دارد؟
مسئلاً، خبر.

۶۸ تن اهالی روستای قارنا...

بقیمار صفحه ۱

کردند و با قتل عام دهکده ویتنامی
"مای لای" به دست ستوان کالسی
جنایتکار آمریکایی تلاوتی دارد که هر
حال همه این اعمال را به نام اسلام
کرده اند. او ظاهرات مسردم را
دستور اینچنین قتل عام های را صادر
کرده اند، از انتقام خلق فرار خواهند کرد؟
راستی آیا این جنایات و کتبه سنی ها
توطئه سینا رکی، آنادان، بکتسار هغه
شهریور نیست و آیا جنایتکاران امروز سا
جنایتکاران دیروز فرقی دارند؟
اعمال جنایتکارانه و ضد خلقی
متجاوزین به حدی شرم آور و وحشیانه
و سنگین است که بدون تردید تاریخ از
عالمین و رسوایه این جنایات هما نگورده
با خواهد کرد که از صهیونیت ها
فاشیت ها و فاولانزیت ها امثال آن.

در کردستان همین قشرونی سرکوبگر
بی شرمانه به زنان و دختران کردتسباز
کردند. این مرتجعین معتقدند که اسرای
جنکی کردستان اسیر حربی هستند و طبق
قوانین شرع اسلام، سها میان اسلام حق
دارند زنان و دختران اسیر را میان خود
تقسیم کنند. مدارک همه این جنایات
در آینده منتشر خواهد شد تا ماهیت
ضد خلق برای همه مردم ایران روشن شود
در کرمانشاه نوجوان چهارده ساله ای
که در میدان آگاه غلغالی به اتهامی واهی
محاکم می شد در برابر توهمین های
غلغالی به صورت اوتف کرد و غلغالی
نیز بلا فاصله محاکمه نوجوان را قطع کرده
و دستور دادوی را تیرباران کردند.

غلغالی دیوانه ای که بیش از یک
سال را در بیمارستان چهر آزی گذرانده
و در آنجا به خاطر جنونش برای سگها
و گرهبها حکم اعدام صادر می کرد و به
دست خود آنها را می کشت، امروز در مقام
حاکم شرع اسلام و با تانک هیئت حاکمه
به جنایاتی دست زده است که بسدون
شک در افتای ماهیت ارتجاع نقش مهم
خواهد داشت و چهره ارتجاع را هم اکنون

جنایتیهای که سرکوبگران خلق
خلق کرد به نام اسلام در کردستان
مرتکب شده اند، چنان وحشیانه و فکرت
دهنده است که گننه با وحشی گری فولسما
در ایران بوشی گری های امیرالیمم
امریکا در صورت تمام، جنایات صهیونیت ها
در سرزمین فلسطین و سفاکی های
فاشیت ها در مناطق اشغالی قابل مقایسه
است و حتی از برخی جنبه ها از آن هم بدتر
است. در روستای "قارنا" یا "گارسا"
در منطقه دواب، سرکوبگران به تلافی
کشته های که در جریان سرکوب مسردم
داده بودند، اهالی روستا را قتل عام
کردند و ۶۸ تن از اهالی روستا را از کوه
پیر جوان بطور دهه جمعی قتل عام
کردند.

خبر این جنایت هولناک که بدست
ارتش جمهوری اسلامی و "مجاهدین
اسلامی" انجام گرفته است اینک در همه
جهان پخش شده است. اما به خاطر اسنور
مطبوعات و موضع عواطف بیانه رادیو
تلویزیون اکثریت مردم ما هنوز از ابعاد
این فاجعه و فجایع دیگر اطلاع ندارند.
همین فاجعه که بدون تردید از
فجایع هولناک تاریخ است به تنها شکی
کافی است تا ماهیت کسانی که به
سرکوب خلق کرد پرداخته اند بسزوی
برای خنمهای قهرمان ایران روشن شود.
راستی آیا این اعمال وحشیانه که
به دست "ارتش جمهوری اسلامی"
مجاهدین اسلامی انجام شده است یا
جنایاتی که صهیونیت ها به دستور بگین
در آنکه دیر باسین مرتکب شدند و
روستاکما، فلسطینی دهکده را قتل عام

کشاورزان و روستائیان، به مبارزه خود ادامه
دهید. چون ما خواهان خود مختاری هستیم و
با کسی سرچنگ نداریم. ولی حال که ما چنین
توطئه ای رو برو شدیم از خود دفاع می کنیم
و تا آخرین قطره خون خود در راه آزادی خلق
کرد و سایر خلقهای ایران می جنگیم.

می دادند.

"بازگان مبارزان، دوشمن ملزا
به خون کشیدند چو عید فطر) و اکنون
(نوروز سندن چو عید فطر) و اکنون
دیگر نمی توانی سومین عید ما
را به خون بکشی... (عید
قرسیان).

اما همه آنها روحیه خوبی داشتند و
مقاومت می کردند و مردم وحشی نوجوانان
در سنگرها با تانکهای جنگیدند.
عده ای از پاسداران گفته بودند ما
فکرمی کردیم برای مبارزه قوی بسوی
این شهر آمده ایم و نمی دانستیم باید
با مردم بجنگیم.

ارتش و پاسداران بعد از چند بار
تقویت بالاخره بر شهر سقز مسلط شدند
و آنگاه بگیرو ببنده آغاز شد. تمام خانه ها
بازرسی شد و دهانها فرکه اکثر درگهبر
حوادث نبودند دستگیر شدند. در شهر
حکومت نظامی برقرار شد و در روزها هم
عابرین را بازرسی می کردند. رهبری
پاسداران به افراد خود دستور دادند،
"هر کسی با اولین فرمان "ایست"
متوقف نشد به سوش شلیک کنند."

چند بار زنان به صورت پاسدارانی
که مردم را بازرسی می کردند، تک کردند
و با چشم خود دیدیم که پاسداران جوان
گریه می کردند و می گفتند:
مردم ما همچون ماموران ساواک
رفتار می کنند.
تاکنون نزدیک به ۴۰۰ نفر از
روشنفکران و مصلحان کرد و نزدیک به ۱۰۰
نفر از مسلمانان مبارز را دستگیر کرده اند
و در زندان پادگان شهر می باشند. در
میان آنها گروه زیادی از زنان و دختران
دلاور و مبارز کرد وجود دارد.

شیخ عزالدین حسینی رهبر ملی و
مذهبی خلق کرد طی بیانیه ای از مبارزات
قهرمانانه مردم سقز ستایش کرد و گفت که
هلاکتیهای آنها در تاریخ مبارزات خلق
کرد ثبت می شود. او گفت فقط با تانکها
دولت قاتونی حاضر به مذاکره است و بسا
آخوندهائی که صلاحیت اداره سلطنت را
ندارند حاضر به مذاکره نیست. او در بیانیه
خود نوشته است "مردم شرافتمند سقز"

در کردستان...

بقیمار صفحه ۲

مردم سقز مدت شروز جنگ
قهرمانانه خود خانه به خانه کوچک
با پاسدوران و ارتشیان جنگیدند. روحیه
مردم سقز نبود آنچنان قوی بسوی
ایستادگان نازل ناپذیر که موجب شکستی
ارتشیان شده بود. و دهها نفر ارتشی
تسلیم مردم شدند.

صدای ناله و صیحه کودکان همراه با
سرودهای انقلابی که صداهایش سرک
سلط کرده هنگام جنگ با قوای دولتی
سر داده بودند، صدای فانتومهای
قدرتمند نیروی هوایی ایران را که
خورشید آریاها با محمد رضا آواره آنها را
با خون و نفت خرید، که گلا تمنت انتصاع
فرز داده بود. در بیمارستان شهر محشی
برپا بود. دهها کودک از صدای فانتومهای
که هر روز صداهای دیوار صوتی را
می شکستند، شوکه شده بودند. صداهای
نفر زخمی که غالب آنها ارتشی و پاسدار
بودند روی تخت های محدود بیمارستان
و در راهروها افتاده بودند. رگبار مسلسل،
غریز توب ها و غرش تانک ها و فانتومها از
یک طرف و طنین آوازه ای کردی سرودهای
انقلابی فضای سقز را برای ۵ روز آکنده
بود. بدون اغراق هیچ خبرنگاری نظیر
این جنگ را ندیده بود. مردمی بکنار چه
و حتی تا ۹۸ درصد رگبر جنگ با دولتی
شده بودند که تا همین شش ماه پیش
پیش آن را مچری حکم قرآن معرفی
می کردند. دیگر از شمار (سنی و شیعی
فرقی نیه رهبر هومان خمینه "خبری
نبود. من ناگهان به یاد روزهای ۲۱ و ۲۲
بهین افتادم ولی باور نمی شد. مگر
ارتش تا مردم اعلام همبستگی نکرد
بود؟ زنهای مرتب این سوآن سبوری
می دویدند و یکسهای شن، بطری های
گوکول مولوتف، غذا (نان، پنیر، دوغ)
برای پیسرگان می بردند، آنها شمس

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگی

